

دکتر غلامحسین مصدق

جراحی نوین اروپائی در ایران

خاطرات نویسی در ایران بیشتر محدود و معمول شده است به بازگفتن جریانهای سیاسی و اداری و اجتماعی، درحالی که اگر متخصصان و مطلعان رشتههای مختلف (پزشکی، کشاورزی، بازرگانی، معماری و...) اطلاعات خود را بنویسند کتابهای خوبی پیدا خواهد شد که برای آگاهی آیندگان دلیلیست و تحولات مدنی جامعه در آنها ثبت و ضبط می ماند.

خوشبختانه آقای دکتر غلامحسین مصدق به نگارش خاطرات خود مخصوصاً در زمینه پزشکی ایران پرداخته است و ما توانستیم گوشه ای از آن را از ایشان بگیریم و نمونه وار چاپ کنیم.

یکی از مهم ترین جریانهای که از اول بازگشتم به تهران پیش آمد پیشرفت جراحی در ایران بود. چون خودم علاقه مند باین حرفه و جراح بودم موضوع برایم خیلی مهم بود. در ۱۳۱۴ که وارد دانشگاه شدم امراض زنان تدریس می کردم. در آن روزگار در بیمارستان های دانشگاه عملیات جراحی مهمی انجام نمیشد. جراحان زیاد بودند اما از ترس عفونت ورم پرده صفاق معمولاً شکم باز نمی کردند.

عملیات جراحی در آن روزگار بیشتر به عمل فتق، بواسیر، باز کردن دملهای چرکی و شکسته بندی و گچ گیری بود. به خاطر دارم يك روز که کمک عمل یکی از جراحهای معروف تهران در يك عمل آپاندیست بودم از ساعت هشت صبح تا یازده صبح در اتاق بودیم. بالاخره با تمام دقت و پیشگیری و اعمال ضد عفونی، بیمار در عصر همان روز ۳۹ درجه تب داشت. یا اینکه جراح دیگری يك عمل جراحی کرد و مرد را زن کرد و در تمام جراید ساز و تقاره زدند.

جراحی نوین در ایران دورکن اساسی داشت که هر يك تأثیری مهم در پرورش جراحان قابل کردند و علم جراحی را در ایران رو به کمال بردند.

رکن نخستین و پیشقدم این رشته دکتر یوسف میر بود که خاندانش از مردم ایروان قفقاز بودند. خودش در لوزان (سوئیس) درس خوانده بود و نزدیکی از معروفترین جراحان

اروپا در اول قرن بیستم به نام پرفسور رو کار کرده و به دستکاری او رسیده بود و در سوئیس مقام و نام خوبی یافت. اما چون جنگ بین المللی اول پایان گرفت ایران را برای زندگانی آینده خود برگزید و راهی ایران شد و در تهران مطب باز کرد و چون با جمعی از هم دوره های ایرانی خود در سوئیس آشنا بود (مخصوصاً علی اکبر داور) آرام آرام با رجال و خاندانهای مهم تهران رفت و آمد یافت و به سبب قابلیت علمی و تشخیص طبی بزودی شهرت یافت و نتیجه خوب جراحیهای مهم او زبان به زبان می گشت.

دکتر میر در تهران همسرا اختیار کرد. دختر موثق السلطنه دفتری را که بامن نسبت دارد به عقد خود در آورد و سه فرزند پیدا کرد به نامهای محمد علی و علی محمد و هما. دکتر میر، محمد علی و علی محمد را که دوقلو هستند پس از تحصیل حقوق در تهران به سوئیس فرستاد و واداشت که در همان مکتب و دانشگاهی که خود درس خوانده بود به تحصیل پزشکی بپردازند و خوشبختانه رشته پدر را به بهترین وجه آموختند و به تهران بازگشتند و به استادی دانشگاه رسیدند و اینک از جراحان میرز قابل اعتماد و مشهور تهران اند.

دکتر میر بزرگ ، ابتدا در بیمارستان احمدیه و پس از آن در بیمارستان وزیری چندی در بیمارستان پهلوی (شماره ۲ ارتش) کار می کرد و بخشهای جراحی آنجاها را تاحدی که امکان داشت به طرز نوین مجهز کرد. وقتی دانشگاه تهران تأسیس شد دکتر میر با سوابق علمی و شهرت نیکی و نیکوکاری به استادی انتخاب کردند و کرسی جراحی را در بیمارستان بزرگ دانشگاه اداره می کرد. دکتر میر در طبابت دلسوزی و دقت نظر مخصوص بخود داشت. روحیه علمی او موجب شده بود که از تظاهر و دخالت در امور غیر پزشکی خودداری می کرد.

دکتر میر به من محبت خاص داشت زیرا با پدرم خویش و مأنوس بود و جز نیکی و بزرگواری از او ندیدم. معتقدم که پزشکی ایران مخصوصاً جراحی بسیار به او مدیون است. پدرم نسبت به دکتر احترام بسیار قائل بود و بهمین مناسبت در دوره حکومت خود با خواهش توانست عضویت شورای عالی پزشکی کشور را به دکتر میر بقبولاند، زیرا دکتر میر به کارهای دولتی تمایل نداشت.

ورود پرفسور یحیی عدل که اولین ایرانی انترن بیمارستانهای پاریس بود در سال ۱۳۱۷ مصادف بود با ایجاد تشکیلات دانشکده پزشکی بدست پرفسور او برلن که از معروف ترین استادان دانشکده پزشکی پاریس بود و به استخدام دانشگاه درآمده بود. او بود که برنامه های تدریس پزشکی و سازمان بیمارستانهای دانشگاه را داد. یحیی عدل در آن تشکیلات استاد جراحی شد و توانست چاقو به دست شاگردان خود بدهد و عمل جراحی جدید بیاموزد. شاگردان که دیدند از و کار یاد میگیرند به دورش جمع شدند و مکتب جراحی عدل تشکیل شد.

نباید فراموش کرد که پیداشدن پنسیلین و سولفامیدها و انتی بیوتیکها موجب پیشرفت سریع جراحی در ایران شد . اصول بیهوشی جدید بدست يك متخصص بیهوشی فرانسوی و آقای دکتر علی فر درمکتب عدل به کار رفت . درحالی که سابقاً بواسطه نبودن وسایل بیهوشی ، عمل جراحی می بایست حتماً درحدود يك ساعت انجام شود . والا بیمار «شوکه» می شد و نبضش پائین می افتاد . درحالی که امروزه اگر بیمارچندین ساعت به زیر بیهوشی باشد حالش کاملاً خوب است و جراح با داشتن وقت کافی عمل جراحی را به خوبی انجام می دهد . یحیی عدل جوانی بود فوق العاده باهوش ، فهمیده و علاقه مند به حرفه مقدس خود . ایشان از خانواده خیلی محترم تبریز و برادر زاده دکتر حبیب عدل رادیولوژیست معروف است .

حبیب عدل اولین کسی بود که با سرمایه خود دستگاه رادیولوژی به ایران آورد و بواسطه علاقه مفرطی که به این فن داشت در راه گسترش آن زحمت کشید . خودم از موقعیت کار او استفاده کردم و عکسهای رحمی که تشخیص نازائی در آن معلوم می شد برای اولین بار در ایران انداختم .

متأسفانه حبیب عدل بواسطه نبودن وسایل کامل ایمنی درمقابل اشعه به مرض سرطان خون فوت کرد . خداوند او را غریق رحمت کند ، که بسیار به طب در ایران خدمت کرد .

درمکتب عدل جراحان متبحر و قابل بالیده شدند . عدل همیشه سعی می کرد عده ای از آنها را به ولایات بفرستد . شاگردان بسیار خوب او همه خادم جامعه اند ، امثال دکتر خداوردی کیا فر که من چندین سال در بیمارستان نجمیه مفتخر به همکاری ایشان بودم . مرحوم پدرم هم فوق العاده به ایشان علاقه مند بود .

از جراحان مشهور مکتب عدل دکتر باقر نصیرپور ، دکتر احمد فلسفی ، دکتر محمد حسین منصور ، دکتر غلامحسین زهتاب را باید نام برد که در کار جراحی کم نظیرند .

من همیشه خوشوقت بودم از اینکه شاگردانم را در فراگرفتن جراحی عمومی که جزو برنامه تخصص زنان ضرورت داشت به بخش جراحی عدل می فرستادم و همه جراحان خوبی شده اند .

يك نکته را نباید فراموش کنیم که در تاریخ ایران چنانچه کسی بخواهد کار مهم مثبتی انجام دهد احتیاج به مساعدت مقامات دولتی دارد تا بتواند موفق بشود . پروفیسور عدل چون جوان عالم و سالمی بود و اهل توقع نبود مورد توجه قرار گرفت و با آن امکانات توانست وسایل کار بخش جراحی بیمارستان سینا را مرتب کند و آن را توسعه بدهد .